

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مانتلی ریویو
توسط برنارد دی‌ملو
برگردان: جنوب جهانی
فرستنده: علی مشرف
۰۸ اکتوبر ۲۰۲۴

هند نیمه امپریالیستی در چرخش ضد چینی واشنگتن بخش سوم



اکنون باید مشخص شده باشد که من چارچوب نیمه امپریالیسم را برای درک نقش هند در رویارویی امپریالیسم امریکا با چین مهم می‌دانم. در این تصویر از نیمه امپریالیسم هند، باید بر تعادل جهانی فعلی (و ناپایدار) بین امپریالیسم سه گانه ایالات متحده در شمال جهان و یک جنوب جهانی چندقطبی در حال ظهور تأکید کرد، که در آن برخی از کشورهای نیمه محیطی – به ویژه چین – راه را برای چندقطبی شدن هموار می‌کنند. این اتفاق با رد "نظم بین‌المللی مبتنی بر قواعد" واشنگتن (که توسط ایالات متحده در یک گروه با سایر کشورهای قدرتمند تعیین می‌شود و بنابراین بسختی بین‌المللی است) رخ می‌دهد، در حالی که به جای آن از رعایت نظم مبتنی بر سازمان ملل متحد برای دولت‌های دارای حاکمیت حمایت می‌شود که توسط حقوق بین‌الملل تقویت می‌شود. با آگاهی از این تعادل جهانی و ناپایدار و با توجه به این واقعیت که ایالات متحده در تلاش است تا برتری جهانی خود را با مهار چین، روسیه، ونزوئلا، کوبا و ایران حفظ کند، هند نقش متناقضی ایفا کرده است و سعی کرده است خنثی یا " فراتر از ائتلاف" به نظر برسد، اما با توجه به ساختار حاکمیت هند توسط طبقات حاکم، در اصل طرفدار و در کنار امپریالیسم امریکا است. چه تحولات ژئوپلیتیک هند را به جایگاهی رسانده که اکنون به عنوان یک قدرت نیمه امپریالیستی در محور هند-آرام ضد چینی ایالات متحده قرار دارد؟

حزب بهاراتیا جاناتا (BJP) با ایدئولوژی هندو افراطی و رویکرد ملی‌گرایانه، با مشاهده تحولات سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۹۲ که در آن بلوک هژمونی حاکم بر هند، جهت‌گیری ایدئولوژیک خود را به سمت نئولیبرالیسم تغییر داد، فرصتی طلایی را احساس کرد. BJP ۳۵ به سرعت (البته نه کاملاً موفق) اکثریت رأی دهندگان هندو را برای کسب آرای انتخاباتی متحد کرد. موفقیت‌های انتخاباتی در سال‌های ۱۹۹۹، ۲۰۱۴ و ۲۰۱۹ راه را برای نفوذ در مدیریت سیاسی بلوک هژمونی ایدئولوژیک متحول شده و در نهایت رسیدن به کرسی نخست‌وزیری هموار کرد.

برای دولت مودی که در سال ۲۰۱۴ به قدرت رسید، ادغام هند در برنامه‌ریزی ستراتیژیک ضد چینی هند-آرام و اشنگتن، حتی در طول دولت ائتلاف پیشرو متحدین کنگره (۲۰۰۴-۲۰۱۴) به رهبری حزب کنگره نیز در جریان بود. در اواخر سال ۲۰۱۱، بارک اوباما، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، "چرخش به آسیا"ی و اشنگتن را آغاز کرد که هدف آن متوقف کردن احیای چین - از نظر اقتصادی، دیپلماتیک و ستراتیژیک/نظامی - در منطقه بود و در آن زمان، مشارکت ستراتیژیک بین ایالات متحده و هند در حال شکل‌گیری بود. این فرآیند تنها در "دولت مودی با سرعت بیشتری پیش رفت".

بخش بزرگی از معماری امنیتی ضد کمونیستی آسیا که از دهه ۱۹۵۰ ساخته شده بود، به شکل سیستم سانفرانسیسکو از اتحادیه‌های امنیتی دوجانبه بسیار نامتقارن با ایالات متحده به عنوان "محور" و فیلیپین، استرالیا، نیوزیلند، جاپان، کوریای جنوبی، تایوان و تایلند به عنوان "پره‌ها" بود. فشارهایی که ایالات متحده در طول سال‌ها، به ویژه پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، بر جاپان وارد کرد تا مسؤولیت بیشتری را برای دفاع بر عهده بگیرد، و منابعی که به طور فزاینده‌ای خواستار آن بودند، به همراه عوامل دیگر به احیای نظامی‌گری جاپان کمک کرد. اگرچه ایالات متحده معماری بسیار نامتقارن "محور و پره" اتحادیه‌های امنیتی دوجانبه را که با تسلط و تبعیت مشخص می‌شد حفظ کرده است، اما و اشنگتن از کشورهای "پره" خواسته و آن‌ها را هدایت کرده است تا اتحادیه‌های امنیتی با یک دیگر نیز برقرار کنند.

به ویژه، و اشنگتن مشارکت‌های/اتحادیه‌های سه‌جانبه (ایالات متحده-جاپان-هند و ایالات متحده-استرالیا-جاپان) و یک مشارکت چهارجانبه (کواد و ایالات متحده-استرالیا-جاپان-هند) را ایجاد کرده است. یک برداشت ژئوپلیتیک مهم از مفهوم و اصطلاح "هند-آرام" این بود که ایالات متحده در سال ۲۰۱۸ نام "فرماندهی اقیانوس آرام" خود را به "فرماندهی هند-آرام" تغییر داد. با این حال، نباید نقش جاپان را دست کم گرفت. یک دیدگاه تأثیرگذار این است که "جاپان مفهوم "هند-آرام آزاد و باز" را ایجاد کرده است" - حتی اگر خود این اصطلاح در سال ۲۰۱۰ توسط هیلری کلینتن احیاء شده باشد (این اصطلاح در ابتداء توسط کارل هاوشوفر، تحلیلگر ژئوپلیتیک نازی المان استفاده شده بود). جاپان در سال ۲۰۰۷ اولین نسخه کواد را ایجاد کرد و در سال ۲۰۱۷ با ایالات متحده همکاری کرد تا کواد ۲۰ قوی‌تری را احیاء کند.

به‌جز تغییر نام‌ها و اتهام‌زنی‌ها، واضح است که اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام اکنون به طور مشترک چارچوب سازمانی برای ستراتیژی امنیتی و نظامی و جنبه‌های مرتبط با استقرار و مشارکت را تشکیل می‌دهند. هند در تمرکز و استقرار نیروهای نظامی خود در منطقه اقیانوس هند (IOR) نسبت به چین دارای مزیت مکانی قابل توجهی است، زیرا چین دارای خطوط ارتباطی طولانی‌تر و آسیب‌پذیرتری است که مانع از تمرکز و استقرار سریع نیروهای نظامی آن می‌شود. جزایر آندامان و نیکوبار که زمانی پایگاه بحری و مستعمره بریتانیایی بودند، به یک تأسیسات دفاعی مهم تبدیل شده‌اند که مقر فرماندهی آندامان و نیکوبار را در خود جای داده است که توسط ارتش، نیروی بحری و نیروی هوایی هند به طور مشترک اداره می‌شود. توسعه و نوسازی مداوم زیرساخت‌های نظامی و مرتبط با آن،

علیرغم تهدید زیست‌محیطی همراه آن، به ویژه از سال ۲۰۰۱، به عنوان امری حیاتی تلقی می‌شود، زیرا گروه جزایر جنوبی در نزدیکی مسیر مهم کشتیرانی از اقیانوس هند به بحیره چین جنوبی از طریق تنگه مالاکا قرار دارد.

در رابطه با استقرار نیروی بحری ایالات متحده در IOR، دهلی‌نو بر استفاده از اصل طلایی موطلایی اصرار داشته است - نه یک استقرار "خیلی داغ" و نه یک استقرار "خیلی سرد" نیروی بحری ایالات متحده در آنجا، بلکه "اندازه درست"، که در آن نیروی بحری هند نقش پیشرو را در این منطقه ایفا می‌کند. هند به عنوان یک "تأمین‌کننده امنیت خالص" در IOR توصیف شده است. مانور Malabar که در نهایت به بخش جدائی‌ناپذیر کواد تبدیل شد، حاصل ابتکار عمل ایالات متحده و هند است. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، واشنگتن شروع به ایجاد یک "همکاری دفاعی" با دهلی‌نو کرد. البته دهلی‌نو قبلاً با تغییر سیاست خارجی خود مطابق با انتظارات واشنگتن، مانند اجازه دادن به هواپیماهای نظامی ایالات متحده برای سوخت‌گیری در فرودگاه‌های هندی در طول جنگ خلیج فارس در سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۹۱ که در آن امپریالیسم ایالات متحده عراق را به طرز وحشیانه‌ای بمباران کرد، شروع کرده بود. در آن زمان، هند به دلیل بحران‌های بودجه‌ای و تراز پرداخت، به وام‌های مشروط صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نیاز داشت. مانور Malabar که در سال ۱۹۹۲ به عنوان یک مانور بحری دو جانبه بین آمریکا و هند آغاز شد، در مسیر بهبود همکاری عملیاتی بین نیروهای بحری شرکت‌کننده بود.

مانور Malabar در سال ۲۰۰۷، سالی که گروه چهار تأسیس شد، به جاپان، استرالیا و سنگاپور گسترش یافت، اما در سال بعد استرالیا در مورد تأثیرات شرکت در این گروه چهارگانه ضد چین هند-آرام ابراز تردید کرد. با این حال، در سال ۲۰۱۰، استرالیا قصد خود را برای بازگشت اعلام کرد و سرانجام از سال ۲۰۲۰ به یک شریک دائمی مانور Malabar تبدیل شد. این پس از جلسه کواد در سال ۲۰۱۷ در مانیل بود که در آن دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، و نخست‌وزیران وقت هند (مودی)، جاپان (شینزو آبه) و استرالیا (مالکوم ترنبل) موافقت کردند که از نظر نظامی و دیپلماتیک با چین در منطقه هند-آرام، به ویژه در بحیره چین جنوبی، مقابله کنند.

در یک حکم دادگاه داورى دائم لاهه در جولای ۲۰۱۶ - در پرونده‌ای که چین در آن حضور نداشت - به نفع فیلیپین اعلام شد که "حقوق تاریخی" سرزمینی که بیجینگ در بحیره چین جنوبی ادعا می‌کند، هیچ پایه قانونی ندارد. واشنگتن با اصرار تأکید کرد که حکم دادگاه "الزام‌آور" است. با این حال، طبق کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق ابحار، چین حق داشت از داورى که به آن رضایت نداده بود، خودداری کند و به آن ملزم نباشد. در واقع، در گذشته چندین کشور سرمایه داری توسعه یافته از جمله استرالیا و بریتانیا نیز همین کار را انجام داده‌اند. علاوه بر این، ایالات متحده حتی امضاءکننده این کنوانسیون نیز نیست. سایر شاکیان در چنین اختلافاتی در بحیره چین جنوبی، مالزی و ویتنام نیز برای حمایت از تصمیم دادگاه داورى پیوستند، اما هند، استرالیا، جاپان، بریتانیا و دیگران نیز به آنها پیوستند.

استفاده از "حقوق بین‌الملل" در خدمت قدرت‌های استعماری و امپریالیستی که ریشه در آن دارد، قبل از تأسیس سازمان ملل متحد به ندرت مورد تردید قرار می‌گرفت و امروزه نیز عمدتاً توسط همان قدرت‌ها شکل می‌گیرد. این امر در مورد حاکمیت بیشتر صدق می‌کند. چین با داورى بین‌المللی در مسائل حاکمیتی مخالفت کرده است، اما همیشه آماده بوده است چنین اختلافاتی را از طریق مذاکره حل کند که به توافق دوجانبه‌ای منجر شود. با این حال، واشنگتن مصمم است که اراده خود را تحمیل کند. این کشور نیروی بحری ایالات متحده را برای گشت مشترک با فیلیپین به سمت اسکوبارو شول، یک صخره در بحیره چین جنوبی که مورد اختلاف است، اعزام کرده است. اگرچه چنین گشت زنی هائی خطر درگیری نظامی با کشتی‌های چینی را افزایش می‌دهد، اما به نظر می‌رسد واشنگتن مصمم است که اختلافات در بحیره جنوب و شرق چین را نظامی‌سازی کند.

رابطه بین امپریالیسم و نیمه امپریالیسم و ژئوپلیتیک " هند بزرگ"

اکنون چگونه می‌توان رابطه بین امپریالیسم و نیمه امپریالیسم بین واشنگتن و دهلی نو را به ویژه با توجه به پروژه ضد چینی هند-آرام اولی توصیف کرد؟ مارینی تأکید کرد که دولت نیمه امپریالیستی و طبقه سرمایه‌دار آن "در هیچ تضاد ستراتیژیک با امپریالیسم قرار ندارند". بلکه خطوط رابطه بین امپریالیسم و نیمه امپریالیسم با یک "همکاری متخاصم" محو می‌شود که چرخه سرمایه خود کشور وابسته را به اقتصاد غالب مرکز پیشرفته متصل می‌کند. اصطلاح "همکاری متخاصم" که مارینی استفاده می‌کند، نشان می‌دهد که بین دولت (و طبقه سرمایه‌دار) کشور امپریالیستی و دولت (و سرمایه‌داری بزرگ) کشور نیمه امپریالیستی "درگیری خاصی" وجود دارد، اما این درگیری "منجر به فروپاشی روابط یا رویارویی آشکار" نمی‌شود. همکاری و همکاری "بیشتر از استثنا، قاعده است".

پس از مذاکرات گسترده، واشنگتن با ابتکار عمل همکاری هسته‌ای غیرنظامی در جولای ۲۰۰۵ پاسخ داد که منجر به توافقنامه هسته‌ای غیرنظامی بین ایالات متحده و هند در سال ۲۰۰۸ شد. این توافقنامه به نوبه خود راه را برای کشورهای گروه تأمین‌کنندگان مواد هسته‌ای برای صادرات اورانیوم به هند هموار کرد که پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را رد کرده بود. این توافق همچنین همکاری‌های هسته‌ای غیرنظامی دهلی نو با برخی دیگر از کشورهای "دوست" را تسهیل کرد. علاوه بر این، واشنگتن از هند برای پیوستن به رژیم‌های کنترل صادرات چندجانبه مانند رژیم کنترل فناوری راکتی، آرایش اسنار و گروه استرالیا حمایت کرد تا به دسترسی به واردات کالاهای دو منظوره دست یابد. ۴۶ با این حال، این سؤال مطرح می‌شود: تا چه اندازه ایالات متحده می‌خواست هند را با ایجاد توافق هسته‌ای با هند در سال ۲۰۰۸ و اعطای مجوز استثنائی برای تجارت کالاهای هسته‌ای به هند که به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای نپیوسته بود، مجبور کند تا سیاست خارجی، دفاعی و امنیتی خود را با سیاست خود هماهنگ کند؟

نیت ایالات متحده برای وادار کردن هند به هماهنگ کردن سیاست خارجی، دفاعی و امنیتی خود با سیاست خود آشکار بود. با تصویب قانون همکاری انرژی اتمی صلح‌آمیز هند و ایالات متحده هنری جی. هاید در سال ۲۰۰۶ (قانون هاید)، شرایط بخش ۱۲۳ قانون انرژی اتمی ایالات متحده برای تصویب همکاری هسته‌ای با هند اصلاح شد. طبق قانون هاید چه شرایطی به ایالات متحده تحمیل شد؟ هند باید "سیاست خارجی سازگار با ایالات متحده" را دنبال کند. علاوه بر این، شرایط انتقال هسته‌ای به هند، یعنی "مواد، تجهیزات یا فناوری هسته‌ای یا مرتبط با هسته‌ای" یا "راکت‌های بالستیک یا تجهیزات یا فناوری مرتبط با راکت"، باید با "دفاع مشترک و امنیت" هر دو کشور مطابقت داشته باشد. علاوه بر این، "تجارت هسته‌ای با هند" باید "در راستای منافع امنیتی ملی ایالات متحده" باشد. این امپریالیسم است که در قانون ایالات متحده نوشته شده است.

واشنگتن با تبدیل یک وضعیت بالقوه متخاصم به یک وضعیت همکاری و با برخورد استثنائی و دفاکتو به هند به عنوان یک کشور دارای سلاح هسته‌ای، راهی برای هند پیدا کرد تا منابع محدود اورانیوم غنی‌شده که در هند استخراج و پردازش می‌شود را برای اهداف نظامی تکمیل یا تأمین کند. در نهایت، هدف ایجاد یک مشارکت ستراتیژیک با دهلی نو به عنوان یک شریک کوچکتر در پروژه ضد چینی هند-آرام واشنگتن بود.

شخصیت پردازی مارینی از رابطه بین امپریالیسم و نیمه امپریالیسم به عنوان "همکاری متخاصم" بر تضادها، یعنی درگیری‌های داخلی که تمایل دارند دو واحد عملکردی متحد را از هم جدا کنند، نور می‌تاباند. با این حال، تضاد و همکاری نمی‌توانند برای مدت طولانی در کنار هم وجود داشته باشند، مگر این که همکاری تضاد را به ضد آن، یعنی عدم تضاد تبدیل کند، همانطور که در توسعه هند به عنوان یک کشور دارای سلاح هسته‌ای رخ داده است. این امر مرا

به بازرگاری در رابطه بین امپریالیسم و نیمه امپریالیسم سوق می‌دهد، با این ادعا که اگرچه تضادهای بین یک قدرت امپریالیستی و شریک نیمه امپریالیستی آن هم از نظر متخاصم و هم غیر متخاصم است، زیرا قدرت نیمه امپریالیستی هم قربانی و هم بهره‌مند از امپریالیسم است، تضادهای متخاصم توسط دو نهاد به گونه‌ای مدیریت می‌شود که از تبدیل شدن آنها به یک تضاد آشکار جلوگیری کند.

به عبارت دیگر، با توجه به طبقه حاکم هند و منافع آن، تضادی که اگر شکل متخاصمی به خود بگیرد، به گونه‌ای همکاری‌آمیز مدیریت می‌شود که آن را به عنوان یک تضاد غیر متخاصم نشان دهد، مانند مورد ظهور هند به عنوان یک قدرت اتومی. اما این چیزی بیش از یک گرایش است. علت تضاد همچنین می‌تواند این باشد که هند از تضادهای متخاصم واشنگتن با چین سوء استفاده می‌کند و خود را با قیمت بسیار بهتری درگیر مناقشه چین و امریکا در غرب اقیانوس آرام می‌کند. این شامل ادامه آغوش باز کردن روسیه، بزرگترین منبع خارجی نفت خام هند، برای خرید نفت ارزان، کود، راکت‌های زمین به هوای اس-۴۰۰ تریومف و نیروگاه‌های هسته‌ای با پرداخت تمام مبالغ به ارز محلی بود. روسیه به حل اختلافات بین هند و چین در منطقه LAC، به ویژه در منطقه‌ای که هند آن را لاداخ شرقی می‌نامد، کمک کرده است. حفظ برخی عناصر متخاصم در رابطه بین امپریالیسم امریکا و نیمه امپریالیسم هند می‌تواند تنها برای هند نیمه امپریالیستی مفید باشد. البته در چنین تضادی با این بزرگی بین یک قدرت امپریالیستی و شریک نیمه امپریالیستی آن، خطر وجود دارد که چنین تضاد غیر متخاصمی به یک تضاد متخاصم تبدیل شود، یا این که یک تضاد متخاصم مدیریت شده به طور آشکار متخاصم شود، اگر بدرستی با تنظیمات متقابل مدیریت نشود. در نهایت، مشارکت امپریالیستی/نیمه امپریالیستی با ظهور و حل تضادها در طول زمان تکامل می‌یابد.

تمایلات متضاد در رابطه بین امپریالیسم و نیمه امپریالیسم تاکنون به یک تضاد آشکار منجر نشده است. مفاد تمام توافقاتی که به تحکیم همکاری عملیاتی و سایر جنبه‌های مشارکت نظامی بین نیروهای مسلح ایالات متحده و هند مربوط می‌شود، اکنون در حال اجرا است. این موارد شامل توافقنامه عمومی در مورد امنیت اطلاعات نظامی (امضاء شده در سال ۲۰۰۲) و پیوست آن در مورد امنیت صنعتی (امضاء شده در سال ۲۰۱۹)، ابتکار عمل تجارت و فناوری دفاعی (امضاء شده در سال ۲۰۱۲)، توافقنامه تبادل لجستیک (امضاء شده در سال ۲۰۱۶)، اعطای وضعیت مجوز تجاری ستراتیژیک به ایالات متحده (۲۰۱۷)، توافقنامه سازگاری و امنیت ارتباطات (امضاء شده در سال ۲۰۱۸)، توافقنامه تبادل و همکاری اساسی (امضاء شده در سال ۲۰۲۰) و ابتکار عمل در مورد فناوری‌های حیاتی و نوظهور (امضاء شده در سال ۲۰۲۲) است. علاوه بر این، توافقنامه‌های مربوط به امنیت عرضه و توافقنامه خرید متقابل کالاهای دفاعی در سال ۲۰۲۳ امضاء شده است. توافقات امنیتی به ایالات متحده اجازه می‌دهد تا علاوه بر موارد دیگر، تجهیزات نظامی را در هند برای استفاده در مواقع کمبود ذخیره کند.

نخبگان قدرتمند هند تقویت چنین مشارکت ستراتیژیک بین هند و ایالات متحده را برای تحقق بلندپروازی‌های هند به عنوان یک "قدرت رهبر" حیاتی می‌دانند. به دستور واشنگتن، هند از سال ۲۰۱۹ چیزی است که تحلیلگران امنیتی خودخوانده هند آن را "دعوت دائمی" به جلسه‌های سران گروه هفت می‌نامند. معرفی هند به عنوان یک شریک دفاعی مهم در سال ۲۰۱۶، این کشور را واجد شرایط تبادل فناوری دفاعی در سطحی برابر با نزدیکترین متحدان و شرکای ایالات متحده کرد. در مقابل، یک توافقنامه تبادل لجستیک منعقد شد که به ارتش ایالات متحده اجازه می‌دهد تا در پایگاه‌های نظامی هند "به صورت پیشرو مستقر شود". هند همچنین به یکی از مراکز تعمیر و نگهداری، تعمیر و استقرار پیشرفته کشتی‌ها و سایر تجهیزات نظامی نیروی بحری ایالات متحده در منطقه هند-آرام تبدیل شده است. در

مقابل، هند اکنون به پایگاه‌های نظامی ایالات متحده از جمله تأسیسات سوخت‌گیری در جیبوتی، دیگو گارسیا، گوام و سایبیک بی دسترسی دارد.

گروه چهار (کواد) امروزه به طور گسترده به عنوان یک توافق "دیپلماتیک" و نظامی علیه چین، یعنی به عنوان یک توافق نسبتاً "سست" تلقی می‌شود. خلاف هند، جاپان و استرالیا "شریکان مهم جهانی ناتو" هستند که سیاست امنیت ملی آنها به "چتر هسته‌ای" ایالات متحده متکی است و پایگاه‌های نظامی ایالات متحده را در خود جای داده‌اند. دهلی نو هنوز برای چنین نوعی اتحاد نظامی با واشنگتن تصمیم نگرفته است. با این وجود، به نظر نمی‌رسد هند در مورد موضع ایالات متحده در مورد مسائل اسرائیل و فلسطین، ایران و تایوان یا روابط کاربردی ایالات متحده با پاکستان اختلاف نظر استراتژیک با ایالات متحده داشته باشد - حتی اگر دهلی نو علی‌رغم تحریم‌های ایالات متحده همچنان روابط سودمند خود را با روسیه و ایران حفظ کند. در مورد روابط دوستانه هند با روسیه، جنبه‌های متخاصم روشنی در روابط نیمه امپریالیستی وجود دارد که اکنون در حال افزایش است.

دولت هند با تکیه تاکتیکی بر بلوک کشورهای نیمه محیطی بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین و افریقای جنوبی) و سازمان همکاری شانگهای به رهبری چین و روسیه که توسط چین و روسیه رهبری می‌شود، تا حدی خودمختاری سیاسی نسبی نسبت به ایالات متحده اعمال می‌کند. اما خلاف چین و روسیه، کشورهای بریکس و سازمان همکاری شانگهای که ژئوپلیتیک امپریالیسم سه‌گانه به رهبری واشنگتن را به طور قاطع رد کرده‌اند، هند هم با خرگوش می‌دوید و هم با سگ شکار می‌کرد.

پروژه‌های زیرساختی دولتی هند در جنوب آسیا در سایه طرح کمربند و راه چین قرار دارد که برخی از کشورهای عضو انجمن همکاری منطقه‌ای جنوب آسیا به جز هند و بوتان (که تحت قیمومیت هند است) به آن پیوسته‌اند. در چارچوب طرح کمربند و راه، کریدور اقتصادی چین و پاکستان (CPEC) و زیرساخت‌های بندر گوادر در ارتباط با حمل و نقل بعدی، یک مسیر جایگزین مهم ایجاد کرده‌اند. نفت باید از طریق خط لوله از بندر گوادر به جنوب غربی چین منتقل شود؛ صادرات از این منطقه نیز باید به گوادر منتقل و از آنجا به مقصد نهایی خود ارسال شود.

این طرح که عمدتاً توسط بانک توسعه چین، بانک صادرات و واردات چین، بانک زیرساخت آسیایی تأمین مالی شده توسط چین و بانک توسعه جدید کشورهای بریکس تأمین می‌شود، توسعه زیرساخت‌های مبتنی بر بدهی را که به قراردادهایی با شرکت‌های دولتی و خصوصی چین گره خورده است، با توسعه صنعتی در محیط پیوند می‌دهد. البته پروژه‌های طرح کمربند و راه به آسیای مرکزی، غرب آسیا و افریقا و همچنین از طریق کریدور اقتصادی چین-هندوچین به شبه جزیره هندوچین نیز گسترش می‌یابد. در جنوب آسیا، این پروژه‌ها عمدتاً در پاکستان، سریلانکا، بنگله دیش، نپال و میانمار در چارچوب CPEC (از جمله توسعه بندر گوادر که قبلاً ذکر شد)، توسعه بندر هامبانتوتا که از سال ۲۰۱۰ در سریلانکا در حال بهره‌برداری است، همکاری کمربند و جاده بین چین و بنگله دیش، شبکه چند بعدی اتصال ترانس هیمالیا بین نپال و چین و کریدور اقتصادی چین-میانمار اجراء می‌شود.

بندر هامبانتوتا در سریلانکا تحت مدیریت سریلانکا متحمل زیان‌های هنگفتی شد و با توجه به وضعیت مالی وخیم و ناتوانی در پرداخت بدهی‌ها، دولت سریلانکا در سال ۲۰۱۶ با مبادله بدهی با سهام موافقت کرد و بندر را در چارچوب یک قرارداد اجاره ۹۹ ساله به یک شرکت دولتی چینی واگذار کرد که سهام اکثریت شرکت بهره‌بردار از بندر را به دست آورد. طبق این توافق، شرکت دولتی چین متعهد شد سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای برای سودآور کردن بندر انجام دهد و سپس ظرف ده سال بخشی از سهام خود را به یک شرکت سریلانکائی واگذار کند.

اجاره طولانی مدت بندر هامبانتوتا سریلانکا و مدیریت این بندر توسط چین، نگرانی‌های امنیتی و هراس در دهلی نو و واشنگتن ایجاد کرده است. قدرت امپریالیستی و شریک نیمه امپریالیستی آن تصمیم گرفتند با نفوذ چین مقابله کنند. آنها با ساخت یک ترمینال آب عمیق در بندر کلمبو با وامی از شرکت توسعه مالی بین‌المللی ایالات متحده آغاز کردند که به گروه بزرگ شرکت‌های هندی مورد علاقه مودی، گروه شرکت‌های آدانی گره خورده بود، که یکی از شرکت‌های آن، آدانی پورتنس و منطقه ویژه اقتصادی، ۵۱ درصد از سهام ترمینال کاننیری غربی کلمبو را در اختیار دارد.

CPEC، از جمله بندر گوادر و بندر هامبانتوتا، نگرانی‌های امنیتی عمیقی را در نخبگان قدرتمند هند ایجاد کرده است. این امر در ارجاعات مکرر به فرضیه ژئوپلیتیک بوئز آلن همیلتون، تحلیلگر اطلاعات نظامی ایالات متحده، مبنی بر این که چین در امتداد خطوط ارتباطی بحری خود از بحیره چین جنوبی از طریق تنگه مالاکا، اقیانوس هند و به سمت خلیج فارس، تأسیسات و روابط نظامی-اقتصادی ایجاد می‌کند، نشان داده شده است.

در اقیانوس هند، دهلی نو و واشنگتن به سریلانکا و مالدیو هشدار داده‌اند که به نفوذ رو به رشد چین اجازه ندهند. نفوذ نظامی فزاینده هند در مالدیو در محل مورد انتقاد قرار گرفت و انتخابات پائیز ۲۰۲۳ و بهار ۲۰۲۴ پیروزی قاطع نیروهای خواهان حاکمیت ملی را به همراه داشت. دولت جدید نیروهای هندی را اخراج کرد و توافق‌های مخفی را که حاکمیت ملی را نقض می‌کرد، لغو کرد. اما برای هند و ایالات متحده، این واقعیت که مالدیو – یک پروتکتور بریتانیا از سال ۱۸۸۷ تا استقلال در سال ۱۹۶۵ – در مهمترین راه‌های بحری اقیانوس هند قرار دارد و در نزدیکی پایگاه نظامی ایالات متحده دیگو گارسیا قرار دارد، برای دور نگه داشتن این مجمع الجزایر از "نفوذ چین" بسیار مهم به نظر می‌رسد. در حال حاضر، نیروهای حاکمیت ملی در رسانه‌های غربی به طور کلی به عنوان "طرفدار چین" توصیف می‌شوند.

ادامه دارد